

استانداردهای ایماندار ۱۴

روزه

خادم خدا فیروز خانجانی

کلیسای ایران

بازنگری شده - بهار ۱۳۹۹

امروز قصد داریم در ادامه مباحث موعظه‌ی سر کوه به موضوع «روزه» بپردازیم. ابتدا بخش نظر از متی باب ۶ آیات ۱۶ تا ۱۸ را می‌خوانیم.

اما چون روزه دارید مانند ریاکاران ترشو مباحثید زیرا که صورت خویش را تغییر می‌دهند تا در نظر مردم روزه‌دار نمایند. هرآینه به شما می‌گوییم که اجر خود را یافته‌اند.

لیکن تو چون روزه داری، سر خود را تدهین کن و روی خود را بشوی.

تا در نظر مردم روزه‌دار نمایی بلکه در حضور پدرت که در نهان است و پدر نهان‌بین تو، تو را آشکارا جزا خواهد داد.

سخن خود را با این مقدمه شروع می‌کنم که چندی پیش برنامه‌ای راجع به لنین می‌دیدم که مسئله‌ی جالبی در زندگی او نظر مرا به خود جلب کرد. لنین علاقه‌ی زیادی به موسیقی کلاسیک داشت اما تا حد امکان از گوش کردن به آن صرف‌نظر می‌کرد. او می‌گفت: «گوش دادن به موسیقی باعث می‌شود که من نرم شوم و نتوانم به انقلابی که باید صورت پذیرد، فکر کنم.» البته همان‌طور که می‌دانیم انقلاب لنین چندین سال قبل با شکست روبرو شد اما نکته‌ی اصلی اینجاست که اگر لنین برای رسیدن به آن هدف فانی آن قدر به خود زحمت داد و از چیزهای مورد علاقه‌اش دست می‌کشید، چقدر بیشتر ما باید این آمادگی و استطاعت را داشته باشیم که برای تحقق هدف عالی خدا، خود را از چیزهایی که دوست داریم، محروم کنیم.

پولس رسول در اول قرن‌تین ۲۵:۹-۲۷ می‌گوید: «و هرکه ورزش کند در هر چیز ریاضت می‌کشد، اما ایشان تا تاج فانی را بیابند لکن ما تاج غیر فانی را. پس من چنین می‌دوم، نه چون کسی که شک دارد و مشقت می‌زنم نه آنکه هوا را بزنم. بلکه تن خود را زبون می‌سازم و آن را در بندگی می‌دارم مبادا چون دیگران را وعظ نمودم، خود محروم شوم.» البته در اینجا صحبت از ریاضتی نیست که در خیلی از مذاهب وجود دارد بلکه بحث در مورد ریاضتی است که یک

ایماندار برای رسیدن به هدفی که دارد، برای خود تعیین می‌کند و روح‌القدس نیز به او کمک می‌نماید تا تمام زوایای زندگی خود را برای نیل به این هدف با یکدیگر هماهنگ کند.

کسب پیروزی در یک رشته‌ی ورزشی مستلزم آن است که ورزشکار برای رسیدن به این هدف دست از خیلی چیزها بکشد، یکی از خوانندگان معروف می‌گفت که من سال‌ها برای داشتن صدایی شفاف و برای اینکه مورد تحسین مردم قرار بگیرم، به خیلی از چیزها لب‌نزدم و اکنون حسرت روزهای گذشته را می‌خورم. این خواننده روزی خواهد مرد و اگر تا آن زمان مسیح بازنگردد یقیناً مردم نیز وی را فراموش خواهند کرد، همان‌طور که برای بسیاری از کسانی که در گذشته معروف بودند این اتفاق افتاده است. پولس در این آیه از تاج فانی صحبت می‌کند، تاجی که سابقاً بر سر ورزشکاران قهرمان می‌گذاشتند.

اگر دقت کرده باشید، در بازی‌های المپیک عهد باستان، برای قهرمانان تاجی از برگ‌بو می‌ساختند و بر سرشان می‌گذاشتند. اگر یک ورزشکار برای تاج فانی سال‌ها زحمت می‌کشید و خود را از چیزهای مورد علاقه‌اش محروم می‌ساخت، پس چقدر بیشتر ما باید این آمادگی را داشته باشیم تا به خاطر خداوند از بعضی علایق خود دست برداریم و زندگی خود را با هدفی که پیش روی ماست هماهنگ کنیم. پولس همین نصیحت را به تیموتاؤس گوشزد می‌کند: «و اگر کسی نیز پهلوانی کند، تاج را بدو نمی‌دهند اگر به قانون پهلوانی نکرده باشد. برزگری که محنت می‌کشد، باید اول نصیبی از حاصل ببرد. در آنچه می‌گویم تفکر کن زیرا خداوند تو را در همه چیز فهم خواهد بخشید.» (دوم تیموتاؤس ۲: ۵-۷). خداوند به کلام خود برکت دهد. پس ما نیز باید مانند یک پهلوان یا یک کشاورز همواره قوانین کسب موفقیت را رعایت کنیم.

امروز در ادامه سلسله مباحث استانداردهای ایماندار، به تشریح مسئله روزه در کتاب مقدس می‌پردازیم. ایمانداران می‌توانند این پرسش را مطرح کنند که حکم روزه در کتاب مقدس چیست؟ کتاب مقدس فقط یک بار و آن هم در روز کفاره، روزه را به صورت آشکار به قوم حکم می‌کند. در لاویان ۲۳: ۲۷ می‌خوانیم: «در دهم این ماه هفتم، روز کفاره است. این برای شما

محفل مقدس باشد. جان‌های خود را ذلیل سازید و هدیه‌ی آتشین برای خداوند بگذرانید.» تنها در این روز است که کتاب مقدس روزه را حکم می‌کند و می‌گوید که این روز، روز کفار است و شما در آن روز محفل مقدس خواهید داشت و جان‌های خود را خواهید رنجانید که البته در ترجمه‌های جدید از عبارت «روزه خواهید داشت» استفاده شده است. به غیر از این مورد، در هیچ قسمت دیگری از کلام حکمی در خصوص روزه مشاهده نمی‌شود.

البته موارد دیگری را داریم که در آنها روزه دسته جمعی به چشم می‌خورد. این مطلب را در آیات ذیل با هم می‌خوانیم: «تمامی قوم زمین و کاهنان را خطاب کرده، بگو چون در این هفتاد سال در ماه پنجم و ماه هفتم روزه داشتید و نوحه‌گری نمودید، آیا برای من هرگز روزه می‌داشتید؟ و چون می‌خوردید و چون می‌نوشتید، آیا به جهت خود نمی‌خوردید و برای خود نمی‌نوشتید؟» (زکریا ۷:۵-۶) «و یهوه صباوت چنین می‌گوید: روزه‌ی ماه چهارم و روزه‌ی ماه پنجم و روزهای ماه هفتم و روزه‌ی ماه دهم برای خاندان یهودا به شادمانی و سرور و عیدهای خوش مدل خواهد شد پس راستی و سلامتی را دوست بدارید.» (زکریا ۸:۱۹). یهودیان در زمان تبعید دو بار در سال روزه‌های دسته جمعی می‌گرفتند که بیشتر به خاطر تحمل دردها و مشقات ناشی از دوری از اورشلیم بود. البته بعد از بازگشت مجدد به اورشلیم نیز روزه‌های دیگری نظیر روزه به خاطر قتل جدلیا (دوم پادشاهان ۲۵:۲۵) و اولین حمله کلدانیان (ارمیا ۵۲:۶-۱۱) مقرر شد. این قبیل روزه‌ها بیشتر به علت مسائل مختلفی نظیر حمله به اورشلیم یا ویرانی هیکل مقرر می‌شدند.

در زمان مسیح نیز یهودیان ایماندار برای ظهور مسیح روزه می‌گرفتند. «و قریب به هشتاد و چهار سال بود که او بیوه گشته از هیکل جدا نمی‌شد بلکه شبانه روز به روزه و مناجات در عبادت مشغول می‌بود.» (لوقا ۳۷:۲). حنا در هیکل سکونت داشت و چون شبانه روز با خداوند زندگی می‌کرد، خداوند نیز او را ملهم ساخته بود تا برای ظهور مسیح دعا کند و روزه بگیرد؛ او چشم به راه ظهور خداوند بود. در ادامه‌ی آیه‌ی فوق می‌خوانیم: «او در همان ساعت درآمده،

خدا را شکر نمود و درباره‌ی او به همه‌ی منتظرین نجات در اورشلیم، تکلم نمود.» (لوقا ۲: ۳۸). اینها افرادی بودند که در آن زمان برای ظهور خداوند روزه می‌گرفتند. اغلب یهودیان، حتی آنانی که چندان هم ایماندار نبودند، کم و بیش از سحرگاه تا غروب روزهای سه‌شنبه و پنج‌شنبه‌ی هر هفته برای ظهور خداوند روزه می‌گرفتند. تقریباً شبیه به همان روزه‌هایی که بعدها در اسلام رایج شد.

در روز کفاره‌ها معمولاً از غروب یک روز تا غروب روز بعد روزه می‌گرفتند. البته موارد دیگری هم در خصوص اشکال مختلف روزه در کتاب مقدس وجود دارد. به عنوان مثال موسی چهل شبانه روز در انتظار رهنمودهای خدا روزه گرفت یا اینکه ایلیا برای کسب تکلیف از خداوند، چهل شبانه روز را در روزه به سر برد و این هنگامی بود که او با مشکل مواجه شده بود و برای دریافت راه حل چهل شبانه روز روزه گرفت تا به کوه حوریب رسید. در آنجا به خداوند چنین اظهار داشت: من هر کاری را که لازم بود انجام دادم اما نه تنها بنی اسرائیل توجه نکردند بلکه مرا به مرگ تهدید کرده‌اند و اکنون من با این قوم چه کنم؟ همچنین مسیح نیز برای اینکه آماده خدمت شود چهل شبانه روز، روزه گرفت.

گاهی اوقات نیز افراد به علت قرار گرفتن در مشکل، روزه می‌گرفتند. وقتی داود فرزند خود را، که محصول زنای وی و بتشیع بود، رو به موت دید، روزه گرفت تا خدا بر او رحم کند. این قبیل روزه‌های فردی همواره در طول تاریخ دیده می‌شوند. و همین‌طور گاهی اوقات که خطری قوم را تهدید می‌کرد، کاهنان قوم را به روزه فرامی‌خواندند و مردم نیز روزه می‌گرفتند.

در کتاب مقدس کیفیت‌های مختلفی از روزه را مشاهده می‌کنیم. کلام خدا به صورت مشخص حکم نمی‌کند که چگونه باید روزه گرفت. برخی بر حسب سنت‌های موجود در جامعه‌ی خود روزه می‌گیرند. ما می‌بینیم که موسی و ایلیا چهل شبانه روز بدون خوردن و نوشیدن روزه می‌گیرند که صد البته چنین روزه‌ای در کیفیتی خاص از ارتباط با خدا میسر می‌شود و فرد را تا حدی از خوراک بی‌نیاز می‌سازد. در جایی دیگر دانیال را هم می‌بینیم که وقتی روزه می‌گیرد

به کلی دست از خوراکی نمی‌کشد. «خوراک لذیذ نخوردم و گوشت و شراب به دهانم داخل نشد و تا انقضای آن سه هفته خویشتن را تدهین نمودم.» (دانیال ۳:۱۰).

پس مشاهده می‌کنیم که دانیال در طول این مدت گوشت و خوراک لذیذ نخورد و شراب نیاشامید. او در آن زمان حدود هفتاد یا هشتاد ساله بود. به احتمال قریب به یقین دانیال در زمان جوانی به صورت کامل روزه می‌گرفت و با سپری شدن سن و سال، نحوه‌ی روزه‌داری‌اش چنین شده بود. کلام خدا در چنین قسمت‌هایی نحوه‌ی روزه را حکم نمی‌کند بلکه به شخص اجازه می‌دهد تا با هدایت روح القدس شکل روزه‌اش را تعیین نماید. به عنوان مثال در آمریکا ایماندارانی هستند که هنگام روزه از خوردن و آشامیدن خودداری کرده و حتی کلمه‌ای هم با یکدیگر صحبت نمی‌کنند. خوب، این شکل روزه‌ای است که در آمریکا رایج است و آنها مطابق چیزی که از خداوند یافته‌اند، بدین ترتیب روزه می‌گیرند. ما می‌توانیم از آنها الگو برداریم اما مجبور به اجرای آن نیستیم و این امر به رابطه‌ی ما با خدا و هدایتی که داریم مربوط می‌شود. در رساله‌ی اول قرن‌تین می‌خوانیم که در زمان روزه، زن و شوهر از یکدیگر فاصله می‌گرفتند. پولس آنها را از این عمل منع نمی‌کند اما می‌گوید این جدایی باید با رضایت طرفین و در مدت کوتاهی انجام شود.

وجود چنین مواردی نشان‌دهنده‌ی این است که کلام خدا بیشتر بر اصول تأکید می‌کند تا بر جزئیات. این روح‌القدس و خود شخص هستند که جزئیات را در طول زمان تعیین می‌کنند، همان‌طور که یعقوب در جایی می‌گوید ما و روح‌القدس چنین صلاح دیدیم. این مطلب در ارتباط با روزه نیز صادق است. ایماندار (کلیسا) با هدایت روح‌القدس شکل روزه‌ی خود را تعیین می‌کند. در این موارد روح‌القدس با کیفیت‌های گوناگون، با افرادی گوناگون و در ادوار گوناگون چگونگی روزه را معین می‌سازد. به عنوان مثال در عهد عتیق هنگامی که یهودیان روزه می‌گرفتند، پلاس می‌پوشیدند و خاکستر بر سر خود می‌ریختند که این امر در میان سامریان رواج بیشتری داشت. البته در میان ایمانداران کمتر شاهد چنین رفتاری هستیم. این رویه در

گذشته متداول و تابع شرایط فرهنگی خاصی بود. گروهی از مسیحیان، همانند یهودیان هفته‌ای دو بار روزه می‌گرفتند و وقتی این بحث در کلیسای رومیان شکل می‌گیرد که آیا باید روزهای خاصی را روزه بگیریم یا نه؟ پولس با اینکه رسول مسیح بود، باز هم به خود اجازه نمی‌دهد تا حکمی را جاری کند بلکه در جواب می‌گوید: اگر برای فردی یک روز مقدس است و در آن روز، روزه می‌گیرد، یقیناً خدا برای او چنین مکشوف نموده و باید به آن احترام گذاشت. در مقابل کسی هم که روزها برایش تفاوتی ندارد قابل احترام است. شکل‌های مختلف روزه در کلام نشان‌دهنده‌ی این است که روح‌القدس در هر زمان همراه ایمانداران بوده و آنها را به سمت انجام حرکات صحیح هدایت می‌نماید.

بعضی از کاتولیک‌ها و پروتستان‌های اروپا از چهل و شش روز قبل از عید قیام روزه می‌گیرند. ما چنین موردی را در کلام نداریم اما اگر این شیوه با تفکری درست همراه باشد، ایرادی هم به آن نمی‌گیریم. البته این رفتارها نباید جایگاه ارکان اصلی کلام را پر کنند چون گاهی اوقات چنین مسائلی جایگزین کلام می‌شود. به همین علت خداوند در کتاب زکریا می‌گوید: «آیا این روزهایی که روزه می‌داشتند به خاطر من بود؟» **هدف اصلی روزه نزدیک‌تر شدن به خداوند است.** اگر روزه‌ی ما هدف دیگری داشته باشد، در نظر خداوند فاقد ارزش است. تنها آنچه که پایه‌هایش بر کلام خدا بنا شده است، استوار خواهد ماند.

برای درک این موضوع روزه ابتدا نمونه‌هایی که کلام ارائه می‌دهد را مرور کنیم. در کتاب مقدس انواع روزه را مشاهده می‌کنیم. موسی چهل شبانه روز در انتظار کلام خداوند، روزه می‌گیرد، ایلیا هم به همین ترتیب. دانیال نیز وقتی با مطالعه‌ی کتاب مقدس احساس می‌کند که تحقق نبوت‌ها در شرف به تأخیر افتادن است، با روزه به حضور خدا می‌رود و درخواست جواب می‌نماید.

یکی از نخستین اهداف روزه‌داری دریافت هدایت از خدا است. موسی، ایلیا، دانیال و حتی مسیحیان در مواقع حساس خدمت خود، برای کسب هدایت روزه می‌گرفتند. ما چقدر برای

این هدف روزه می‌گیریم؟ آیا هدایت خدا آنقدر برای ما مهم هست که به جهت دریافت آن روزه بگیریم؟ حتماً تجربه کرده‌اید که وقتی حادثه‌ی بدی برایتان اتفاق می‌افتد دست از غذا می‌کشید و اگر هم کسی به شما بگوید: «آیا چیزی می‌خوری؟» در جواب می‌گویید: «خیر، اصلاً میلی به غذا ندارم.» معمولاً در این اوقات دیگر تمایلی به خوراک نداریم و در نظر ما، غذا طعم خود را از دست داده است. هدایت خداوند باید آن قدر برای ما مهم باشد که برای دریافت آن خود را از خیلی چیزها محروم کنیم و فقط بر روی یک هدف یعنی دریافت هدایت متمرکز شویم. پولس می‌گوید که من به خود سختی می‌دهم تا به هیچ عنوان هدفی را که برای آن مبارزه می‌کنم، از دست ندهم. (اول قرنتیان ۹: ۲۷). مردان و زنان بزرگ کتاب مقدس بسیار روزه می‌گرفتند. آیا تحول درونی و دریافت هدایت از خدا آن قدر برای ما مهم است که بابت آن مدتی را به روزه اختصاص بدهیم؟ البته این را هم باید به یاد داشته باشیم که اکثر روزه‌ها با هدایت روح‌القدس انجام می‌گیرد.

بر اساس تجربه‌ی شخصی خود می‌توانم به شما بگویم که معمولاً روزه‌هایی که بدون هدایت روح‌القدس گرفته می‌شوند ممکن است چندان ثمربخش نباشد. البته این یک تجربه‌ی شخصی است و شما در پذیرش و یا رد آن مختارید. بنا به تجربه، روزه‌هایی مثمر ثمر است که روح‌القدس ما را به سمت آن هدایت کند. روح‌القدس به عنوان حاکم زندگی ما، به ما می‌گوید که چه وقت باید چه کاری را انجام دهیم. **پس اولین هدف روزه، کسب هدایت از خدا است.**

در مواقع حساس و هنگام بروز مشکلات نیز قوم توقفی می‌کند و روزه می‌گیرد. در عهد عتیق هنگامی که عمونیان و موآبیان، اسرائیل را تهدید می‌کنند، یهوشافاط دستور می‌دهد که قوم روزه بگیرند: «و بعد از این، بنی‌موآب و بنی‌عمون و با ایشان بعضی از عمونیان، برای مقابله با یهوشافاط آمدند. و بعضی آمده، یهوشافاط را خبر دادند و گفتند: گروه عظیمی از آن طرف دریا از آرام به ضدّ تو می‌آیند و اینکه ایشان در حصون تamar که همان عین جدی باشد، هستند.

پس یهوشافاط بترسید و در طلب خداوند جزم نمود و در تمامی یهودا به روزه اعلان کرد.» (دوم تواریخ ۲۰:۱-۳).

پس می‌بینیم که در عهد عتیق ایمانداران هنگام به خطر افتادن قوم و یا رویداد یک فاجعه روزه می‌گرفتند تا بدین نحو از سختی فارغ شوند. چون روزه باعث می‌شود تا افراد در دعا متمرکز شده، طرز فکر و نگاهشان به نحوی تغییر کند که صرفاً منتظر نجات خداوند باشند. در یوئیل ۱:۱۴ می‌خوانیم: «روزه را تعیین نمایید و محفل مقدس را ندا کنید! مشایخ و تمامی ساکنان زمین را به خانه‌ی یهوه خدای خود جمع نموده، نزد خداوند تضرع نمایید.» اینجا به علت وقوع حادثه‌ای وحشتناک، روح‌القدس ایمانداران را به روزه فرامی‌خواند تا به حضور خداوند بروند. ایماندار باید بیاموزد که زمان وقوع حوادث و سختی‌ها روزه بگیرد. بسیاری از نجات‌ها، شفاه و آزادی از بندهای گناه در حین روزه‌داری اتفاق می‌افتد. همان‌طور که قوم با روزه به حضور خدا رفت و خدا نیز آنان را بر همسایگانشان پیروز گردانید.

دلیل دیگری که گاهی ایماندار برای آن روزه می‌گیرد «تقویت روحانی» در مبارزه با نیروهای تاریکی است. در کلام خداوند می‌خوانیم که جنگ ما با جسم و خون نیست بلکه با نیروهای تاریکی که تحت نظر شیطان فعالیت می‌کنند. در بعضی مواقع باید برای مبارزه با این نیروها روزه گرفت. در متی ۲۱:۱۷ می‌خوانیم: «لیکن این جنس جز به دعا و روزه بیرون نمی‌رود.» مسیح می‌گوید که این نوع دیو فقط با روزه اخراج می‌شود. بسیاری از دیوها و نیروهای تاریکی طی مبارزه در قالب روزه اخراج می‌شوند و مسیح نیز چون از پدر هدایت می‌گرفت، می‌دانست این نوع دیو صرفاً با روزه مغلوب می‌شود. کلام خدا می‌گوید که دانیال برای آمدن فرشته، بیست و یک روز، روزه می‌گیرد. رئیس فارس می‌خواست تا مانع از آمدن فرشته‌ی خداوند شود و دانیال هم به همین علت در دعا و روزه، در کنار فرشته‌ی خداوند مبارزه می‌کند. پس می‌بینیم که برای پیروزی در نبرد روحانی نیز باید روزه گرفت.

اما مهمترین دلیل روزه‌داری، بازگشت خداوند و تحقق کامل ملکوت اوست. در دعای ربانی می‌خوانیم: «ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد، ملکوت تو بیاید. اراده‌ی تو چنانکه در آسمان است، بر زمین نیز کرده شود.» ما باید برای بازگشت خداوند و پیشروی ملکوت او روزه بگیریم. یهودیان ایماندار نظیر حنا، شمعون و... برای ظهور مسیح روزه می‌گرفتند. مسیح روزه را بر شاگردان خود حکم نمی‌کند و در پاسخ به سؤال شاگردان یوحنا تعمیددهنده مبنی بر اینکه «چرا شاگردان تو مثل ما روزه نمی‌گیرند؟» گفت: «آیا ممکن است پسران خانه‌ی عروسی مادامی که داماد با ایشان است روزه بدارند؟ زمانی که داماد را با خود دارند، نمی‌توانند روزه دارند. لیکن ایامی می‌آید که داماد از ایشان گرفته شود. در آن ایام روزه خواهند داشت.» (مرقس ۲: ۱۹-۲۰). آمین. در آن زمان، مسیح روزه می‌گرفت اما شاگردان را به روزه حکم نمی‌کرد بلکه گفت بعد از رفتن داماد، برای ملاقات با او روزه خواهند گرفت.

همان طور که یهودیان ایماندار برای ظهور مسیح روزه می‌گرفتند، ما نیز باید برای بازگشت مسیح و ملاقات با او روزه بگیریم. پس بازگشت مسیح و گسترش ملکوت خدا از مهمترین اهدافی است که باید روزه‌های ما را به خود اختصاص دهد. چه بسا برای کسب تکلیف از خدا یا هنگام رویارویی با مشکلات روزه بگیریم اما به راستی چقدر برای پیشروی ملکوت خدا روزه می‌گیریم؟ **چند نفر از ایمانداران این جمع و یا جماعت‌های دیگر برای پیشروی ملکوت خدا روزه می‌گیرند؟** این در حالی است که مسیح می‌گوید چون داماد از ایشان گرفته شود، روزه خواهند گرفت! اگر بازگشت مسیح را دوست داریم، اگر دوست داریم این بخش کلام او یعنی «از عصیر انگور نخورم تا آن روزی که در ملکوت خدا آن را تازه بنوشم.» محقق شود، باید روزه بگیریم. روزه گرفتن نشان‌دهنده‌ی این است که چقدر در اشتیاق شتابانیدن گام‌های مسیح جدی هستیم.

البته می‌توانیم برای برکت یافتن کلیسا و ظهور قدرت عظیم خدا در جماعتش نیز روزه بگیریم. خدا در کیفیت‌های مختلف نظیر نزول روح‌القدس در پنطیکاست و... متجلی می‌شود.

باید برای تجلّی چنین کیفیتی از حضور خدا در کلیسا دعا کرده، روزه بگیریم، ما دعا می‌کنیم و روزه می‌گیریم تا ملکوت خدا گسترش یابد. دعا می‌کنیم تا خداوند هر چه زودتر بازگردد. در مکاشفه می‌خوانیم که روح و عروس می‌گویند: بیا! و یوحنا نیز پاسخ می‌دهد: «آمین، بیا، ای خداوند عیسی!» (مکاشفه ۲۲: ۲۰). اگر مشتاق بازگشت خداوند باشیم برای تحقق این مهم روزه می‌گیریم. این تنها مسئله‌ای است که کتاب مقدس روزه گرفتن ایمانداران به جهت آن را نشان می‌دهد: «و لیکن آیامی می‌آید که داماد از ایشان گرفته شود. در آن ایام روزه خواهند داشت.» (مرقس ۲: ۲۰).

بسیار خوب، حال پس از بیان این مقدمات در خصوص روزه و کیفیت‌های آن، به باب ۶ متی باز می‌گردیم. در آیه ۱۶ می‌خوانیم: «اما چون روزه دارید، مانند ریاکاران ترشو مباشید زیرا که صورت خویش را تغییر می‌دهند تا در نظر مردم روزه‌دار نمایند. هر آینه به شما می‌گویم اجر خود را یافته‌اند.» چرا روزه می‌گیریم؟ چرا دعا می‌کنیم؟ چرا به دیگران کمک می‌کنیم؟ آیا برای این است که نزد مردم محترم باشیم یا در پی کسب رضای خدا هستیم؟ مسیح می‌گوید هر وقت روزه می‌گیری مثل ریاکاران نباش! می‌دانیم ریاکاران کسانی هستند که دائماً نقش بازی می‌کنند. فریسیان چنین بودند و متأسفانه ممکن است مسیحیانی هم باشند که چنین رفتار کنند. وقتی این افراد روزه می‌گیرند، ظاهرشان را شکسته می‌کنند. ریاکاران دوست دارند تا سایرین از روزه آنها مطلع شوند و به همین خاطر حالت ضعف و شکستگی به خود می‌گیرند. آنها به قول خود می‌خواهند با این روش، دیگران را به ایمان دعوت کنند. استدلالشان هم این است که اگر ما به این صورت رفتار کنیم، اطرافیان نیز به روزه گرفتن تشویق می‌شوند اما خداوند می‌گوید شما نباید این کار را انجام دهید. این شیوه‌ی ریاکاران است آنها صورت خود را تغییر می‌دادند تا در نظر مردم روزه‌دار نمایند.

در متن یونانی دو فعل به کار رفته است که در مقابل یکدیگرند. یکی فعل «Phaino» به معنای «نشان دادن» و دیگری «Aphanizo» به معنای «مخفی کردن و زشت کردن».

یعنی به قدری چهره‌ی خود را زشت می‌کردند گویی می‌خواستند صورت خود را مخفی کنند. گاهی نیز حین روزه‌داری، خاکستر بر سر خود می‌ریختند تا صورتشان مشخص نباشد و به اصطلاح داد بزند که روزه دارند. درست است که بعضی از انبیای عهد عتیق چنین می‌کردند اما با گذر زمان خداوند، رفته رفته مواردی که نیازی به رعایتشان در کلیسا نیست را برمی‌دارد. در کلام می‌خوانیم که دانیال در زمان روزه‌داری صورت خود را نمی‌شست و تدهین نمی‌نمود. وقتی مسیح می‌گوید یک ایماندار نباید چنین باشد، بحث تازه‌ای را بیان نمی‌کند چون در اشعیا ۵۸:۵-۶ در این ارتباط می‌خوانیم: «آیا روزه‌ای که من می‌پسندم مثل این است، روزی که آدمی جان خود را برنجاند و سر خود را مثل نی خم ساخته، پلاس و خاکستر زیر خود بگستراند؟ آیا این را روزه و روز مقبول خداوند می‌خوانی؟ مگر روزه‌ای که من می‌پسندم این نیست که بندهای شرارت را بگشایید و گره‌های یوغ را باز کنید و مظلومان را آزاد سازید و هر یوغ را بشکنید؟» آمین. بسیاری از یهودیان برای اظهار ایمان، خود را خمیده و رنجور نشان می‌دادند و اصطلاحاً سر خود را مثل نی خم می‌کردند. خداوند از آنها می‌پرسد که آیا من چنین روزه‌ای را از شما انتظار داشتم و فکر می‌کنید این باعث رضایت من می‌شود؟

در آن زمان مردم عادت داشتند در حین روزه لباس خود را پاره کنند. در اینجا روح‌القدس می‌خواهد ما را به سمت درون متوجه سازد تا راه گریزی نداشته باشیم. انسان راه گریز را دوست دارد و همواره به دنبال آن است. در یوئیل ۲:۱۳ این مطلب با ظرافت خاصی عنوان می‌شود. «و دل خود را پاره کنید نه رخت خویش را و به پیهوه خدای خود بازگشت نمایید زیرا که او رئوف و رحیم است و دیرخشم و کثیر احسان و از بلا پشیمان می‌شود.» خدا نمایش یا ظاهرسازی را دوست ندارد. یهودیان دوست داشتند با پاره کردن لباس خود به همه نشان دهند که روزه دارند. خداوند صراحتاً با این رفتار مخالفت می‌کند و می‌گوید از شما نخواستم لباس خود را پاره کنید بلکه باید قلب خود را چاک دهید. ممکن است بعضی چیزها در گذشته خوب بوده باشد اما به مرور زمان به راه گریزی برای انسان تبدیل شده باشد تا با استفاده از آن خود

و دیگران را بفریید و در ظاهر نشان دهد که با خدا رابطه‌ی خوبی دارد، در حالی که عملاً چنین نیست! خداوند از ما نمی‌خواهد تا لباس خود را چاک دهیم و خاکستر بر سر خود بریزیم بلکه باید قلبمان را در حضور او چاک دهیم.

می‌بینیم که خدا از روزه‌داران انتظار دارد تا با درد در حضورش حاضر شوند، با درد به حضور او روند تا دعایشان را بشنود. باید به یاد داشته باشیم مردم در زمان ماتم، روزه می‌گرفتند. در روز کفاره‌ها وقتی به گناهان خود اعتراف می‌کردند، ماتم می‌گرفتند و به یاد می‌آوردند که چقدر از اراده‌ی خدا فاصله گرفته‌اند و به همین جهت روزه می‌گرفتند. هنگامی که به اطراف خود نگاه کرده احساس می‌کنیم با خداوند هماهنگ نیستیم و یا اطرافیان ما در شرف هلاکت قرار گرفته‌اند، جا دارد روزه بگیریم و با بار به حضور خدا برویم. برای همین است که خداوند می‌گوید دل خود را چاک زنید. مگر در کلام خدا نیامده است خوشبحال ماتمیان زیرا تسلی خواهند یافت؟

خداوند می‌گوید نه ظاهر خود بلکه قلبتان را پاره کنید و در آیه‌ی ۱۷ به ما حکم می‌کند: «لیکن تو چون روزه داری سر خود را تدهین کن و روی خود را بشوی.» روزه‌داری نباید هیچ تغییری در ظاهر ایجاد کند. خداوند نمی‌خواهد تا با ظاهرسازی، دیگران را به ایمان ترغیب کنیم بلکه خود او با روح‌القدس بهتر از هر کس دیگری این عمل را به انجام می‌رساند. وقتی روزه می‌گیریم، وظیفه‌ی ما این نیست که به دنبال جذب دیگران به ایمان باشیم بلکه باید به هدف اصلی روزه معطوف شویم. هدف روزه اطلاع یافتن دیگران از ایمان ما نیست بلکه رفتن به حضور خداست و برای همین هم مسیح می‌گوید: «سر خود را تدهین کن و روی خود را بشوی.» خداوند می‌خواهد ما به درون خود توجه کنیم.

در ادامه در قسمت اول آیه‌ی ۱۸ می‌خوانیم: «تا در نظر مردم روزه‌دار نمایی...» باز به مسئله‌ی قدس‌الاقداص برمی‌گردیم. کاهن در روز کفاره‌ها با روزه به حضور خداوند می‌رفت و در خلوت برای گناه قوم شفاعت می‌کرد. ما نیز وقتی روزه فردی می‌گیریم در جایگاه کاهن

اعظم هستیم که برای برطرف شدن مشکلات خود و مردم و نواقصی که مشاهده می‌کرد به حضور خدا می‌رفت و شفاعت می‌نمود. این عمل جزئی از وظایف کاهنان بود. خداوند دوست دارد که ما هم این کار را انجام دهیم. در قسمت دوم آیه‌ی ۱۸ داریم: «بلکه در حضور پدرت که در نهان است و پدر نهان بین تو، تو را آشکارا جرا خواهد داد.» این بدان معناست که کاری که در خفا انجام می‌دهیم در نظر خداوند مخفی نخواهد ماند و سرانجام روزی ثمره‌ی کاری که برای خدا انجام می‌دهیم را آشکارا خواهیم دید. البته ممکن است این اتفاق در روز خداوند بیفتد و یا زودتر. چه دعا کنیم، چه روزه بگیریم و یا به دیگران کمک کنیم، اگر در اراده‌ی خداوند باشد قطعاً به نتیجه می‌رسد.

فعلی که در زبان عبری به کار رفته «Shalem» استواری را تداعی می‌کند. این یعنی خداوند عمل خود را در خفا استوار خواهد نمود. کسی که بیاموزد نه فقط در جمع بلکه در خلوت نیز با خداوند باشد، یقیناً استوار خواهد شد. مگر بالاترین پاداش برای ما این نیست که عملمان در حضور خداوند پایدار باشد و در محضر او استوار شویم؟ این کار در خفا صورت می‌گیرد، همان‌طور که بنای بسیاری از اعمال عظیم خداوند در نهان شکل گرفت و ناگهان مثل چشمه‌ای از دل زمین جوشید و همگان را سیراب نمود.

این چشمه سرانجام روزی آشکار می‌شود، چشمه‌ی جوشانی که خداوند آن را به وجود آورده است. غالباً آب‌هایی که در مخزن ذخیره می‌شوند بیشتر در معرض تهدید قرار می‌گیرند تا آب‌هایی که در درون زمین جمع می‌شوند. ما نوشیدن آب چشمه را به آب رودخانه ترجیح می‌دهیم زیرا بسیار زلال است. آبی که از دل زمین بیرون می‌آید سالم‌تر از آب رودخانه است که بر سطح زمین جاریست و در معرض انواع میکروب‌ها و بیماری‌ها قرار دارد. اگر آب رودخانه را برای نوشیدن به ما بدهند آن را تصفیه می‌کنیم در حالی که خیلی‌ها برای نوشیدن آب چشمه صف می‌کشند.

بسیاری از کارهایی که در خفا انجام می‌شود با ارزش‌تر از اعمالی است که آشکارا و در معرض دید مردم صورت می‌گیرد. باید اجازه دهیم خداوند در خلوت‌هایمان، در دعا‌هایمان، در کمک‌هایی که در خفا انجام می‌شود و در روزه‌هایی که در نهان، به دور از دید دیگران اما در حضور خدا گرفته می‌شود، کار خود را در جهان به پیش برد. کلام نمی‌گوید شاید پدر به تو جزا بدهد بلکه می‌گوید پدر نهان بین تو، تو را آشکارا جزا خواهد داد. باشد که همچون آن چشمه‌ای آبی باشیم که در خفا تشکیل شده و از طریق مجاری طبیعی زمین تصفیه می‌شود و در موقع خود ناگهان ظاهر شده، دیگران را سیراب می‌سازد. مسیح می‌گوید هر کس که به من ایمان داشته باشد را به منبع آب خروشان تبدیل خواهم نمود. این آب از بطن زمین می‌جوشد.

خداوند به تکاتک شما برکت بدهد. با هم دعا کنیم.

ای خداوند خدای قدوس، کلام تو را شنیدیم و دریافتیم که تو دوست داری ما را در خلوت‌هایمان بنا کنی. می‌خواهی در خلوت‌های ما حضور داشته باشی. دوست داری در نقاط مخفی، آب حیات را در ما ذخیره کنی تا مردم از آن بنوشند. ای خداوند عطا فرما تا شنیدن موعظه و خواندن کلام تو تغییری بنیادی در زندگی هر یک از ما ایجاد کند. ای خداوند نیازمند آن هستیم که ما را به سوی آن تحول عمیق سوق دهی. در نام فرزندت عیسی مسیح. آمین.

فیض خداوند با همگی شما باد.